

## در فکر سازمان دادن اعتصابی هستیم

نامه اول رفیق جانباخته سلیمان محمدی به تاریخ دهم تیر ۱۳۶۵

ده روز پیش از شروع اعتصاب کوره های ساروقامیش بوکان

**توضیحاتی بر این نامه:** شنبه گذشته در روز دوم شهریورسالگرد ترور رفیق سلیمان محمدی به دست حزب دمکرات کردستان ایران قول دادم، نامه و گزارشات آن دوره اورا منتشرکنم. اکنون نامه اول او را مطالعه میکنید. این نامه سی و سه سال قبل نوشته شده است. طبیعی است مهر شرایط سیاسی و مبارزاتی و نحوه فعالیت ما در آن دوره را بر خود دارد. برای نسل جوان و مخاطبین امروز ما توضیح نکاتی که در نامه سلیمان به آنها اشاره شده، به تصویر و درک روشنتری از نامه او کمک میکند.

- همانطور که از فوتوی اورژینال نامه متوجه میشوید، این نامه و نامه دوم و گزارش دیگری از او که در همین هفته منتشر میکنم، در شرایط سخت و پر از محدودیت فعالیت مخفی بر روی کاغذی بسیار نازک و با خط ریز نوشته شده است. از آنجا به قصد چاپ و انتشار علنی نوشته نشده، بلکه رلاکس و بدون در نظر گرفتن موازین نوشتاری و ادبی به نگارش در آمده، در صورتیکه سلیمان توان نویسندگی خوبی داشت و قبل از همین سفر و ماموریتش، مطلب با استاندارد خوب برای نشر در برنامه رادیویی "فعالین تشکیلات مخفی" از او گرفته و پخش کرده بودم. لذا در بازنویسی نامه هیچ اصلاح نگارشی ایجاد نکردم.

- این نامه خطاب به ک-ت-ر است، منظورش "کمیته تشکیلات مخفی روستا" که آن وقت به اختصار به آن "کتمر" میگفتیم.

- سلیمان و تعداد دیگری از کادرهای حرفه ای و نظامی بخش علنی حزب کمونیست ایران و کومه له مروج - سازمانده تحت مسئولیت کتمر بودند. مروج سازمانده ها، کادرهای توانا و با تجربه سیاسی تشکیلاتی کار بودند، که سازماندهی تشکیلات مخفی در مناطق آزاد و نیمه آزاد روستایی و حومه شهرها را به عهده داشتند. در آن مقطع هنوز سازماندهی تشکیلات مخفی شهرها و روستاها از هم منفک بودند. که بعدها از اواخر سال ۱۳۶۵ در هم ادغام شد و از کانال یک کمیته واحد به نام تکش سازماندهی مخفی را پیگیری کردیم.

- در نامه به عملیات رفقا در شهر اشاره شده، منظورش عملیات نظامی واحدهایی از گردان ۳۱ بوکان کومه له در داخل شهر بوکان در آن مقطع و تاثیرات آن است.

- در نامه دو سه مورد به سربازگیری اشاره شده. مساله اینست در آن دوره تناسب قوا بین جمهوری اسلامی و مردم در کردستان طوری نبود که رژیم به آسانی جوانان را به رفتن به سربازی مجبور کند. در نتیجه سپاه پاسداران و گروههای ضربتش در عملیاتیهای غافلگیرانه جوانان را دستگیر و به مراکز نظامی گسیل میکردند. تازه بعضی از جوانان از آنجا هم فرار کرده و بر میگشتند و تن به سربازی نمیدادند.

- اسامی که در این نامه به آنها اشاره شده، همه اسم مستعار تشکیلاتی بوده، که بعد از گذشت سالهای زیاد هیچ نگرانی امنیتی وجود ندارد.

- در میان اسامی حوزه های حزبی اشاره شده، نام زنده یاد محمد سلطانی ذکر شده است. اینجا لازم میدانم اشاره کنم محمد سلطانی کمونیستی روشن بین، شخصیتی بسیار محبوب در میان مردم و صفوف تشکیلات حزب کمونیست ایران و کومه له و اهل همان روستای ساروقامیش بود. این کادر برجسته که مسئولیت سیاسی بخش مهمی از پیشمرگان گردان ۲۴ مهاباد را به عهده داشت، درنبرد با مزدوران جمهوری اسلامی جانباخت. یاد عزیزش همیشه زنده است.

بعد از این توضیحات نامه اول سلیمان درست ده روز قبل از شروع اعتصاب بیش از ۵۰ کوره پزخانه را مطالعه کنید. نامه دوم او اساسا به شروع و پایان آن اعتصاب میپردازد. به زودی آن را هم منتشر میکنم.

**رحمان حسین زاده**

شهریور ۱۳۹۸

\*\*\*

متن نامه:

**رفقای مبارزک - ت - ر**

با گرمترین سلامها و درودهای کمونیستی و شادی و پیروزیتان را آرزومندم.

میدانم الان گرمای شدید کلافه تان کرده است و هر کدام طبق معمول همیشگی در گوشه ای نشسته اید و یا احتمالا کا رحمان با جلسات دائمی اش راحتتان نمیگذارد و در فرصت هایی به ماهم می اندیشید که در کجا و چه حالی هستیم. هر چند اینجا هم هوا گرم است و پشه شب و روز آدم را راحت نمیگذارد و تمام بدنمان از نیش آن باد کرده است و برادران هم با سربازگیری افکار راحتی برایت باقی نمی گذارند. با تمام وجود اینها در زیباترین منطقه هستم و میوه ها هم دارند می رسند از آلبالو و گیلاس گرفته تا .... و بقیه هم بعد از

مدتی دیگر وقت خوردنشان می رسد هر چند میدانم دهانتان پر از آب شده و حسودی میکنید و سعی خواهید کرد حتما سروقت دوباره من را فرا بخوانید و من هم سعی خواهم کرد که قانعتان کنم نیایم بهتر است. کمی هم در مورد کارها و اوضاع برایتان بنویسم.

عملیات رفقا در شهر و مخصوصا کشتن رئیس شهربانی و اطلاعات تاثیر بی اندازه زیادی در میان مردم و مخصوصا صاحب ماشینها که از دست آنها فریادشان بلند بود گذاشته است و شور و شوق زیادی در میان مردم پدید آورده است. بیکاری و گرانی بیداد میکند و کمبود وسائل و مواد غذایی بیسابقه است. قند ک ۷۰ تومان، روغن ۵ کیلو ۳۵۰ تومان، چای ک ۴۰۰ تومان، برنج ک ۴۰ تا ۶۰ تومان، زردآلو ۲۵ تومان، باطری ۱ دانه ۱۲،۵ تومان، آرد ۱ عدل ۷۰۰ تومان، خودکار بیک ۱ دانه ۱۵ تومان، تخم مرغ ک ۴۵ تا ۵۰ تومان، گوشت ۱۰۰ تومان، مرغ ک ۷۰ تومان- گازوئیل و نفت هم نایاب شده و صف تراکتورو مینی بوس گاهی به چند کیلومتر می رسد. ماست فروشها را به پشت بهداری قدیم منتقل کرده اند و باید برای خرید ماست به آنجا رفت. ترس و وحشت مردم از سربازگیری که هر روز و هر ساعت هم هست. برآن اضافه کار هم گیر نمی آید و همه برای گذران زندگی به دستفروشی رو کرده اند.

#### اما در مورد کوره خانه ها

امسال بعلت بارندگی زیاد کارگران نتوانسته اند خشت زیادی تولید کنند و در فواصل بین بارانها هم اگر کار کرده اند باران خسارت زیادی به کارشان وارد کرده است. بعلت زیاد بودن کارگران امسال صاحبان کوره فشار زیادی بر کارگران وارد کرده اند و هنوز نرخ کار کارگران (قالبدار- چرخ کش- قرمزدار- کوره سوز) را تعیین نکرده اند و هر کدام میگویند مانند نرخ کوره های دیگر اما زمزمه ۱۳۵ تومان وجود دارد. از دادن دستکش و نایلون خبری نیست. بعلت ترس از سربازگیری هم و اینکه احتمالا اگر دست به اعتصاب بزنند رژیم دخالت خواهد کرد و سربازگیری خواهد نمود، تاکنون دست به اعتصاب نزده اند. هر چند زمزمه آن وجود دارد اما احتمال آن خیلی کم است. تا حال رژیم سه بار در کوره ها دست به سربازگیری زده است و تعدادی را دستگیر نموده است. کارگران با وجود خستگی بی حد و کار در گرمای بیش از اندازه این فصل شبها را با دلهره و ترس میگذرانند و اگر در محدوده کوره ها مزدوران رژیم پیدا شوند کار تعطیل می شود و همه برای پنهان کردن خود و یا فرار کردن از آن محدوده اقدام می نمایند. بیماری اسهال در میان کودکان رایج و شدید است. برای جبران خسارات بارندگی در بعضی از کوره ها نصف خسارت را پرداخته اند و نصف دیگر را خود قالبدار باید بر عهده بگیرد و در بعضی دیگر نیز دو یا سه هزار تومانی به آنها داده اند. در کوره های تبریز تمام خسارت را پرداخت کرده اند و در آنجا زمزمه ۱۶۰ تومان وجود دارد. تعداد زیادی از رفقایمان

در اینجا کار می کنند و من تعدادی را ملاقات اولیه جهت پیدا کردن امکانات ماندن دیدار نموده ام و امکاناتمان خوب است. تراکت های روز پیشمرگ و ... پخش نموده و انعکاس وسیعی پیدا کرده و با آن شایعاتی را در مورد اینکه کومه له گفته باید نرخ ۱۷۰ تومان و ... باشد را پخش نموده اند. در فکر تهیه تراکت ها و اعلامیه هایی برای دعوت به اعتصاب و تعیین دستمزد هستیم. در ضمن گفتارهای مربوط به کوره خانه ها را گوش میکنند و تاثیر زیادی داشته است. امسال اختلافات فروکش نموده و هر چند در مواردی وجود دارد اما به نسبت سال قبل خیلی کم شده است. در فکر سازمان دادن اعتصابی هستیم. هر چند کارگران کوره بعد از خوردن شام بعلت خستگی زیاد از حد در جا به خواب می روند و اگر بخواهی نیم ساعتی را بحث بکنی بحدی خمیازه میکشند و چرت میزنند که مجبوری به خوابیدنش رضایت بدهی. چون خودم هم باید مثل آنها از خواب بیدار شوم و شبها هم تا ۲ و ۳ بیدار بمانم از آنها بدترم. ضعف اساسی در میان کارگران نبودن رهبرانی کارآمد و با تجربه و سازمانده است و این با برجستگی زیادی خود را نشان می دهد. با رفقای حوزه وریا ۱۵۴ جلسات خوبی داشته ام و از روحیه خوبی برخوردارند و می توان به آنان اتکا کرد و رویشان حساب کرد. با رفیق حامد هم جلساتی داشته ام وی هر چند رفیقی خوب و قابل اتکا است اما کم کاریهای خود را به حساب بی ارتباطی و اینکه هر دفعه به نظرات تازه ای میرسیم می گذارد. اما در کل می توان روی او حساب کرد. با رفیق آزاد هم که برای دیدار خانواده از کوره برگشته بود ملاقات نمودم و میتوان روی وی نیز حساب کرد و تا آخر این دو دوره آنها را کم کم مستقل کرد. رفیق مسعود محمدی هم که قبلا در باره وی صحبت کرده بودیم و قرار بود وی را نزدتان بفرستم بعلت اینکه خود را تسلیم نموده است را از دور خارج کردیم. با رفیق چیا هم جلساتی داشته ام و با تعدادی از رفقای حوزه شهید محمد سلطانی هم جلساتی داشته ام که فقط کار سازماندهی آنها مانده. کار اصلی خود را روی کوره ها متمرکز می کنم. در فواصلی نیز به رفقای دیگر سر می زنم. در ضمن در گفتارهای رادیویی روی چگونگی ارتباط و ضرورت آن و رعایت مسائل امنیتی و چگونگی تبلیغ و یا تلفیق کار علنی و مخفی بیشتر صحبت شود و لازم است. در ضمن کار روی سربازان چه از طریق رفقای خودمان که سربازند و چه از طریق توده ها امروز اهمیت زیادی دارد چه در نافعال کردنشان و چه در روی آوری به ما و فراری دادنشان. هر چه زودتر سعی کنید نشریات را برایم بفرستید چون خیلی اهمیت دارند. من سعی خواهم کرد گزارشات مفصل را از طریق ایستگاهی که با رفیق حامد دارم برایتان ارسال کنم و اگر تماس بی سیمی داشتم به شما اطلاع میدهم. سعی میکنم که زود زود با شما ارتباط داشته باشم.

در آخر سلام تک تک رفقا را می رسانم هر چند مدت زیادی نیست که از شما دور گشته ام اما راستش بیشتر اوقات یادتان می کنم. کا طیب، کا اسد - کا رحمان، رزگار - احمد -

